

درس هفتم: باران محبت

از شبنم عشق خاک آدم گل شد صد فتنه و شور در جهان حاصل شد

خاک، گل و آدم: مراعات نظیر/ واج آرایبی «ش» و «ر»/ اغراق: صد فتنه و شور/ شبنم عشق: اضافه تشبیهی/ اشاره به آیه ۱۴ سوره الرحمن «خدای رحمان انسان را از گلی خشکیده همچون سفال بود، آفرید» تلمیح

سرنشتر عشق بر رگ روح زدند یک قطره فرو چکید و نامش دل شد

واج آرایبی «ر»/ سرنشتر عشق: اضافه تشبیهی/ رگ، روح: اضافه استعاری/ «سرنشتر، رگ، قطره» و «روح، دل»: مراعات نظیر

گر من نظری به سنگ بر بگارم از سنگ، دلی سوخته بیرون آرم

واج آرایبی «گ»/ سنگ: تکرار/ سنگ نماد از نرمی ناپذیری، سختی/ سوخته کنایه از عاشق/ دل مجاز از انسان

درس هفتم: آفتاب حسن

بنمای رخ که باغ و گلستانم آرزوست بگشای لب که قند فراوانم آرزوست

واج آرایبی «ا»/ قند استعاره از سخن شیرین/ رخ نمودن کنایه از دیدار/ لب گشودن کنایه از سخن گفتن/ «رخ، لب» و «باغ و گلستان»: مراعات نظیر/ مانند کردن چهره معشوق به باغ و گلستان

ای آفتاب حسن برون آدمی ز ابر کان چهره مُشعشع تابانم آرزوست

آفتاب، تابان، مشعشع: مراعات نظیر/ ابر استعاره از هجران یا سفری که شمس رفته و مولانا در فراقش می سوزد/ چهره استعاره مکنیه از آفتاب (چهره به آفتابی تشبیه شده که مشعشع و تابان است). آفتاب، ابر: مراعات نظیر/ آفتاب حسن استعاره از معشوق/ آفتاب حُسن: اضافه تشبیهی/ بیرون آمدن از ابر کنایه از چهره نشان دادن

گفتی ز ناز: «بیش مرنجان مرا، برو» آن گفتنت که «بیش مرنجانم» آرزوست

واج آرایبی «ر - ا»/ گفتی، گفتنی: اشتقاق/ واج آرایبی «ت، م»/ بیش مرنجان: تکرار

زین همرهان سست عناصر دلم گرفت شیر خدا و رستم دستانم آرزوست

رستم و حضرت علی (ع) نماد جوانمردی و وفاداری / سست عناصر کنایه از افرادی که بی خیال و بی اراده هستند. / گرفتن دل کنایه از غمگین شدن / شیر خدا استعاره از حضرت علی / اشاره به قدرت و درایت حضرت علی و پهلوانی رستم: تلمیح / واج آرای «س»

دی شیخ با چراغ همی گشت گرد شهر کز دیو و دد ملولم و انسانم آرزوست

دد و انسان: تضاد / واج آرای «د-ش» / اشاره به داستان دیوجانس (دیوژن) فیلسوف یونانی: تلمیح / دیو و دد استعاره از انسان های پلید و بد ذات / دیو، دد: مراعات نظیر / دی و دیو: جناس ناهمسان / دیو و انسان : تضاد

گفتند یافت می نشود، جسته ایم ما گفت: «آن که یافت می نشود آنم آرزوست»

یافت می نشود: تکرار / واج آرای «ف» / آرزو کردن آنچه نیافتنی است: متناقض نما

پنهان ز دیده ها و همه دیده ها از اوست آن آشکار صنعت پنهانم آرزوست

پنهان: تکرار / اشاره به آیه لاتدرک الابصار و هو یدرک الابصار : یعنی هیچ چشمی او را نمی بیند و او همه چیز را می بیند / تناقض: آشکار صنعت پنهان / دیده مجاز از انسان / دیده: تکرار / آشکار، پنهان: تضاد / واج آرای «ه» / آشکار، پنهان: تضاد / دیده ها در «همه دیده ها» (ا. چشم ها ۲. موجودات و دیده شده ها): ابهام